

- زبان: توانایی اندیشیدن است

تفاوت های زبان از گفتار

- گفتار: نمود آوایی این توانایی است

نکته: خطا و اشتباه در گفتار صورت میگیرد و اصلاح آن توسط زبان انجام میشود

اگر بخواهیم زبان و گفتار را با عمل شطرنج مقایسه کنیم میتوان گفت:

- گفتار حرکت مهره ها است که توسط ما انجام میشود و امکان بروز اشتباه در آن میباشد

- زبان نوع قانون حرکت (حرکت L اسب حرکت فیل و ...) که در آن هیچ اشتباهی وجود ندارد

زبان یک نظام است و وظیفه ی اصلی آن ایجاد ارتباط است



- نتایج تمایز زبان از گفتار: 1- افراد کر و لال از زبان بی بهره نیستند بلکه از توانایی گفتار بی بهره اند و به جای آن از نمود حرکتی استفاده میکنند- 2- گویش ها و لهجه ها به وحدت زبان آسیب نمیرسانند زیرا این امر مربوط به گفتار است- 3- اشتباه و خطا در گفتار صورت میگیرد و اصلاح آن توسط زبان میباشد.

جمله : سخنی است که از نهاد و گزاره تشکیل شده است.

نهاد : عبارتی است که در باره ی آن خبر می دهیم.

گزاره: خبری است که درباره ی نهاد می‌دهیم .

نهاد جدا: گروه اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله می آید و اغلب می توان آن را حذف کرد.

نهاد

نهاد پیوسته: همان شناسه ی فعل است که نشان دهنده ی شخص و شمار فعل آن است و قابل حذف نیست.

نکته: نهاد جدا باید از نظر شخص با فعل مطابقت داشته باشد به جز در موارد زیر:

- برای احترام:مانند ← معلم فرمود. و معلم فرمودند.
- برای نهاد غیر جاندار:مانند ← این پله ها لغزنده است. و این پله ها لغزنده هستند.
- برای ضمائر یا اسامی مبهم:مانند ← هر یک گفت.و هر یک گفتند.
- برای اسم های جمع:مانند ← گله وکاو و سپاه و... که با شناسه مفرد می آیند به جز
- ملت:مانند ← ملت به پا خاست. و ملت به پا خاستند.
- مردم:مانند ← مردم به پا خاستند

- اگر من / ما + شخص دیگری آیند ← فعل به صورت اول شخص جمع می آید.
مانند: من و حسن به مدرسه رفتیم. / ما و حسن به مدرسه رفتیم.
- اگر تو / شما + شخص دیگری آیند ← فعل به صورت اول شخص جمع می آید.
مانند: تو و حسن به مدرسه رفتید. / شما و حسن به مدرسه رفتید.
- اگر میان دو اسم با بیاید شناسه با کلمه ی قبل از با مطابقت می کند.
مانند: حسن با محمود به مدرسه رفت. / دانش آموزان با معلم به کلاس آمدند.

بیاموزیم

صفت های مفتوم به «ی» اگر بفواهند «ی» بگیرند دو راه وجود دارد.

- «ی» را به موصوف اضافه کنیم.

- یک صفت دیگر بیاوریم و «ی» را به آن اضافه کنیم.

مانند: ابو علی سینا مکیمی نامی بود. / ابو علی سینا مکیم نامی و

مشهوری بود.

ویرایش: زیبا کردن جملات را ویرایش می گویند

ویرایش

- ویرایش فنی: اصلاح شکل کلمات و یکسان نمودن رسم الخط را در حوزه ی ویرایش فنی قرار می دهند.

مانند: علائم نگارشی (نقطه . ویرگول و...) / استفاده از نشانه ی تشدید: مانند: بنایی دیدم/بنایی دیدم

- ویرایش ساختاری: شناسایی کاربرد های قواعد خلاف دستور زبان ویا تعبیر های ناروا و نا بجا و نوشتن

شکل درست آنها به جای اشکال نادرست را ویرایش ساختاری می گویند.

- مانند حذف فعل بدون قرینه مانند: مسئله بررسی وحل شد.

- اضافه نکردن « تر » به صفت های تفضیلی عربی مانند: اعلم تر ویا افضل تر.

- حشو مانند: ماه قمر بنی هاشم / روز یوم الشک

نکته 1: برخوردار برای امور مثبت است و به درد جملات منفی نمی خورد. مانند: او از قدرت کمی برخوردار است

نکته 2: در زبان فارسی عدد با معدود مطابقت نمیکند مانند: سه اقوام

نکته 3: از مقدار برای اسامی قابل شمارش استفاده نمیشود: مانند مقداری از دانش آموزان.

- انواع جمله
- دو جزئی
 - سه جزئی
 - چهار جزئی

- جملات دو جزئی : فعل جملات دو جزئی ناگذر است.

مانند: علی آمد/ علی با دسته گل آمد.

- سه جزئی
- نهاد + مفعول + فعل مانند : محمد ماشین را شست.
 - نهاد + مسند + فعل اسنادی مانند: هوا سرد است.
 - نهاد + متمم فعل + فعل مانند: ایرانیانبا دشمن جنگیدند.

- چهار جزئی
- نهاد + مفعول + متمم فعل + فعل: آن مرد دانا درس را به من یاد داد.
 نهاد مفعول متمم فعل
 - نهاد + مفعول + مسند + فعل: علی دوست خود را قهرمان می دانست.
 نهاد مفعول مسند فعل
 - نهاد + متمم + مسند + فعل: مردم روستا به او دکتر می گفتند
 نهاد متمم مسند فعل
 - نهاد + مفعول + مفعول + فعل : او فقرا را لباس پوشاند.
 نهاد مفعول 1 مفعول 2 فعل

فعل

چه چیز/چه کس = نهاد

چه چیز را/ چه کس را = مفعول

چه جور/ چه طور = مسند

حرف اضافه اختصاصی = متمم